

(لو) کَلِّیه ارواح پنج قسم است

بدانکه کَلِّیه ارواح پنج قسم است ، اوّل روح نباتی و آن قوّه ایست که از ترکیب عناصر و امتزاج موادّ بتقدیر خداوند متعال و تدبیر و تأثیر و ارتباط با سائر کائنات حاصل شود مثل الکتریک که از ترکیب بعضی اجزا حاصل و پیدا میشود . و چون این اجزا و عناصر از هم تفریق شود آن قوّه نامیه نیز محو گردد مثل اجزای الکتریک که بمحض تفریق اجزا قوّه الکتریک نیز مفقود و متلاشی شود این روح نباتیست . بعد از آن روح حیوانی است آن نیز چنین است از امتزاج عناصر است که ترکیب میشود ولی این ترکیب مکملّتر است و بتقدیر ربّ قدیر امتزاج تامّ پیدا کند و روح حیوانی که عبارت از قوّه حسّاسه است پیدا شود و احساس حقائق محسوسه از مبصر و منظور و مسموع و مطعوم و مشموم و ملموس نماید آن نیز بعد از تفریق و تحلیل این اجزای مرکّبه بالطّبع محو میشود مانند این چراغ که مشاهده مینمائید که چون این روغن و فتیل و آتش با هم جمع شود روشنائی حاصل گردد و لکن چون روغن تمام شود و فتیل بسوزد آن نور نیز محو گردد . امّا روح انسانی این مثّلش مثل بلّور و فیض آفتابست یعنی جسم انسان که مرکّب از عناصر است در اکمل صورت ترکیب و امتزاج است و غایت اتقان و اشرف ترکیب و اکمل موجودات است و بروح حیوانی نشو و نما نماید . این جسم مکملّ مانند آئینه است و روح انسانی مانند آفتاب اگر چنانچه بلّور

بشکند فیض آفتاب باقیست و اگر آئینه محو و نابود شود بر فیض آفتاب ضرری نرسد آن باقیست . این روح قوه کاشفه است که محیط بر جمیع اشیاست و جمیع این آثار بدایع و صنایع و اکتشافات و مشروعات عظیمه و وقوعات مهمه تاریخیه که میبینی کلّ را او کشف کرده و از حیّز غیب و کمون بقوه معنویه بعرصه ظهور آورده . مثلاً در زمین است کشفیاتی در آسمان میکند از حقایق معلومه یعنی چیزهائی که معلومست و مشهود چیزهای مجهول را کشف کند مثلاً در این نصف کره است ولی بقوه عاقله مانند کولمبس نصف دیگر کره را که کره آمریکاست و مجهول و مستور است کشف کند جسم ثقیل است اما بوسائط مکشوفه خویش پرواز کند بطیء الحركه است اما بوسائلی که ایجاد نماید در نهایت سرعت شرق و غرب را طی نماید مختصر این قوه محیطه است بر جمیع اشیا . اما این روح انسانی دو جنبه دارد یا رحمانی یا شیطانی یعنی استعداد نهایت کمال را دارد و همچنین استعداد نهایت نقص را اگر اکتساب فضائل کند اشرف ممکناتست و اگر اکتساب قبائح کند ارذل موجودات گردد . اما روح در مرتبه چهارم روح آسمانی است آن روح ایمانی و فیض رحمانیست آن از نفثات روح القدس است که بقوه الهیه سبب حیات ابدیه شود آن قوه ایست که انسان ارضی را سماوی کند و انسان ناقص را کامل نماید کثیف را پاک کند ساکت را ناطق نماید اسیر شهوات نفسانیّه را مقدّس و منزّه کند جاهل را عالم نماید . پنجم روح القدس است این روح القدس واسطه بین حقّ و خلق است مثل آئینه است مقابل آفتاب چگونه آئینه مقدّس اقتباس انوار از آفتاب کند و بدیگران فیض رساند بهمچنین روح القدس واسطه انوار

تقدیس است که از شمس حقیقت بحقائق مقدّسه رساند و او متّصف بجمع کمالات الهیّه است در هر وقت ظهور کند عالم تجدید گردد و دوره جدید تأسیس شود و هیکل عالم انسانی را خلعت جدید پوشاند . مَثَلش مثل بهار است هر وقت بیاید عالم را از حالی بحالی دیگر نقل کند بقدم موسم بهار خاک سیاه و دشت و صحرا سبز و خرم گردد و انواع گل و ریاحین روید اشجار حیات جدید یابد و اثمار بدیع پدیدار گردد دور جدید تأسیس شود . و ظهور روح القدس مثالش اینست هر وقت ظاهر شود عالم انسانی را تجدید کند و بحقائق انسانیّه روح جدید بخشد عالم وجود را خلعت محمود پوشاند ظلمات جهل زائل نماید و انوار کمالات ساطع نماید . مسیح باین قوّت این دور را تجدید نمود و بهار الهی در نهایت طراوت و لطافت در جهان انسانی خیمه برافراخت و نسیم جان پرور مشام نورانیان را معطر نمود و همچنین ظهور جمال مبارک مانند فصل ربیع بود و موسم جدید که با نفحات قدس و جنود حیات ابدیّه و قوّه ملکوتیّه ظهور و سریر سلطنت الهیّه را در قطب عالم نهاد و بروح القدس نفوسی را زنده فرمود و دور جدید تأسیس نمود .